

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد
۲۵ اکتوبر ۲۰۲۰

هستی مردم در زیر سایه "دولت اعتدال" روحانی

نظام های سرمایه داری به هزاران دلیل، جوهره و محتوای انسانیت را از درون تهی کرده اند. سیستم حاکم بر جهان، زندگی مردم را آمیخته از مرگ و رنج کرده است. در هیچ بخش و قسمتی آسایش و فراغت برای محرومان نیست. دنیا و جوامع متفاوت، پُر از ثروت، زمین و مکان برای زندگی است. امکانات و ابزار متناسب با فراگیری علم و معرفت بسیار و بسیار است، اما به دلیل تمرکز ثروت در دست اندک محدودی از آحاد جامعه، میلیون ها توده و سازندگان اصلی آن، فاقد امکانات اولیه زندگی و نیز میلیون ها کودک به دلیل فقر والدین شان به کوکان کار تبدیل گردیده اند.

معلوم است که چنین جهانی تولیدگر هزاران مصیبت و ناهنجاری های اجتماعی است؛ معلوم است که چنین جهانی مولد بی خانمانی، دربه دری و فقر افزون تر است؛ معلوم است که چنین جهانی را نمی شود منطبق با جهان انسانی و در خدمت به بشریت توضیح داد. به این سبب که سرمایه ها در جهت سود اندوزی هر چه بیشتر حاکمان سازمان داده شده است و مردم بی نصیب از نعمات و ثروت های جامعه اند. متأسفانه زندگی میلیارد ها انسان را سرمایه داران به سمت تله مرگ سوق داده اند و روزانه هزاران نفر در دام آن گرفتارند. واژه هایی همچون امنیت شغلی، آسایش و آرامش برای میلیون ها توده دردمند در جوامع به اصطلاح متمدنی همچون امریکا، انگلستان، المان و فرانسه گرفته تا کشورهای وابسته و جنگ زده ای به مانند ایران، عراق، لیبیا، سوریه و غیره، بی ارزش و بی مفهوم است.

بر مبنای چنین حقایق تلخی ست که مشاهده چهره جهان کنونی برای انسان های آزاده، بسیار آزاردهنده می باشد. به این سبب که خیابان ها پُر از بی خانمان ها، کودکان کار، جوانان بیکار، موادهای تخریبی انرژی و فکری بشریت و نیز تعرض به قربانیان نظام امپریالیستی تحت عنوان مبارزه با تکدی گری، دستفروشی و "مجرم گردانی" شده است. جدا از مرگ روزانه در اثر نداری و فقدان امکانات اولیه پزشکی و کاری، زندگی و جان هزاران نفر هم روزانه به دلیل جنگ های خانه خرابکن و ارتجاعی به تباهی می رود. جنگ هایی که سازمان داده شده از جانب قدرت مداران بین المللی به منظور غارت بیش از پیش ثروت های جوامع سرشار از منابع طبیعی و پس زدن جناح های رقیب امپریالیستی، حکومتی و دولتی است. دولت های بزرگ امپریالیستی به همراه دار و دسته های شان و آن هم به بهانه های واهی همچون مبارزه با فقر و فقدان دموکراسی، تشنج های سیاسی - نظامی متفاوت به راه می اندازند تا مانع جیش های اعتراضی رادیکال گردند. در حقیقت دروغ، دغل بازی و ریاکاری از زمره شاخصه های اصلی حکومت مداران و دولت مداران را شامل می شود و هر یک وقیحانه در تلاش است تا علل نابسانی ها و هزاران مصیبت دست ساز حکومت سراسر جنایت بار

خویش را به گرده جناح‌های رقیب و نظام هم‌نوع خود سرشکن کنند. به طور مثال رئیس جمهور "معتدل" نظام جمهوری اسلامی - حسن روحانی - قبل از تکیه به مسند دولت - در ۲۲ فروردین [حمل] ۹۲ - به رقیبان خود گفته است: "شرم نمی‌کنید که هر روز دست در جیب مردم می‌کنید، نمی‌توان تمام ناکاری آمدی‌ها را پای تحریم نوشت". بعد از آن و در ۵ مهر [میزان] ۹۹، پیرامون معضلات و مشکلات جامعه می‌گوید: "مردم اگر لعن و نفرین دارند برای گرانی اجناس، آدرسش امریکا است، جمهوری اسلامی کاری نکرده است".

دُرست می‌گوید حاصل هزاران مصیبت و مشکل جامعه از جمله گورخوابی، نداری، گرانی نیازهای اولیه زندگی، خودکشی در اثر عدم پرداخت کرایه‌های گزاف خانه، بیکاری و غیره به دولت "امریکا" برمی‌گردد و در این بین روحانی و نظام جمهوری اسلامی "بی‌تقصیر" است! دُرست می‌گوید و قرار بر این نبود تا کلید روحانی، قفل‌های مشکلات و معضلات جامعه را بگشاید! دُرست می‌گوید و علل دستگیری‌ها، تعرضات بی‌وقفه خیابانی به قربانیان نظام امپریالیستی و نیز کُشت و کُشتار مخالفان و معترضان، وابسته به سیاست‌های امپریالیستی و سرکوب‌گرانه دولت تابع نظام جمهوری اسلامی نیست!

براستی این پُرسش‌ها مطرح است که به چه جهت نمی‌شود صحن جامعه‌ای را که پُر از نیروی کار جوان و بی‌آینده شده است، به حساب سیاست‌های دولت "کارآمد" روحانی گذاشت و آن را در نسخه تحریم‌ها نیچید؟! به چه جهت نمی‌شود عدم پرداخت حقوق کارگران در قبال کار انجام شده را، به پای سیاست‌های ضد کارگری دولت "اعتدال" نوشت؟ به چه جهت نمی‌شود حمام خوابی بی‌خانمان‌ها در "گرمخانه مردمی اصفهان" و یا در لوله‌های بُنتی حاشیه این شهر، و در ادامه بی‌پناهی سیل زده‌گان استان گلستان که بیش از ۵۰۰ روز از آن می‌گذرد را به سیاست‌های نظام جمهوری اسلامی نسبت داد؟ خلاصه این که به چه جهت نمی‌شود سرکوب هر ندای آزادیخواهی را از زمره کارآمدهای دولت روحانی به حساب آورد؟

بنابه هزاران دلیل دیگر، سران دولت‌های سرمایه‌داری و از جمله دولت‌مداران ایران، کلاشی و وقاحت را به بالاترین حد ممکن رسانده‌اند که با هیچ قلم و زبانی نمی‌توان از در توضیح آن‌ها برآمد. البته ناگفته نماند که وقت چندان‌ی به پایان دوره دوم ریاست جمهوری روحانی باقی نمانده است. اما بررسی پوشه حدوداً هفت ساله وی و آن‌هم خلاف شعارهای پیشادولت‌مداری‌اش، روشن‌گر این حقیقت است که نه تنها دولت وی کمترین تفاوتی با دیگر دولت‌های پیشین نظام جمهوری اسلامی نداشته و ندارد بلکه معترض‌تر، خشونت‌بارتر و دست‌درازتر نسبت به حقوق بدبهی کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستمدیده و ثروت‌های جامعه بوده است. دولت "اعتدال" وی با تمام وجود اعتراضات کارگری را سرکوب کرده است؛ زنان و دختران را مورد تهاجمات گسترده خود قرار داده است؛ به سر دانشجویان معترض افتاد و جان جوانان مخالف را گرفت تا سیستم متناسب با منافع طبقه سرمایه‌داری وابسته را محفوظ نگه دارد. طبیعی است که قیل و قالش پیرامون ناکارآمدی‌های دولت‌های گذشته، بی‌مایه و انحراف افکار عمومی بوده است. به این علت که حسن روحانی و دیگر دولت‌های وابسته به حکومت جمهوری اسلامی، در جایگاه و در مقامی قرار گرفته‌اند که وظیفه و نیت‌شان، کارآمدتر کردن سرمایه‌های سرمایه‌داران، و نیز دست‌درازی بیشتر به سفره مردم است. منظور اینکه طرح شعارهای بی‌محتوا، گزافه‌گویی و صرفاً و صرفاً برای حراست بهتر از مناسبات سرمایه‌داری است و هیچ یک از آنان فرقی با یکدیگر نداشته - و ندارند - و همه سوار بر قطار و واگن واحدند.

به عبارت دیگر تقسیم دولت بین جناح‌های متفاوت سیاسی حاکمیت، در دوره‌های معینی از تنش‌های اجتماعی درون جامعه است و هیچ‌یک از آنان، هیچ پیوندی با منافع و با خواست‌های مردم ندارند. مرور کوتاه به سیاست‌های تعرضی دولت‌های متفاوت نظام و آن‌هم از روزهای آغازین بر سر کار گماری‌شان، گواه این مدعاست که کار و بار و ربط

سیاست‌های دولت‌های گوناگون، در تضمین و در تأمین منافع طبقه سرمایه داری وابسته ایران بوده و می‌باشد. منظور اینکه نمونه ای از برسمیت شناختن حقوق مردم از جانب دولت‌های رنگ و وارنگ نظام جمهوری اسلامی نیست و یکی پس از دیگری افسارگسیخته تر به جان و مال کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده های ستمدیده افتاده اند و نیز هر یک از آنان، طناب نداری و بندگی را سفت و سفت تر کرده اند. بی گمان تحركات، برنامه ها و سیاست‌های رئیس جمهور "معتدل" و محبوب نظام هم - نمی‌توانست و نمی‌تواند -، در تخالف با دیگر دولت‌های گذشته نظام جمهوری اسلامی باشد. چاکرمنشی و در حقیقت تعهد عملی و روزانه به سیاست‌های امپریالیستی از زمره جواز عبور یکایک آنان در مقام و منصب حکومتی - دولتی است. پس برخلاف اراجیف پیشاانتخاباتی، روحانی هم بمانند دیگر عناصر نظام موظف به پیشبرد سیاست‌های امپریالیستی در درون جامعه ایران بوده و می‌باشد. متعاقباً و بدون کمترین دودلی می‌شود گفت که همه آنان در چند دهه حاکمیت شان، در سرکوب جنبش‌های اعتراضی سنگ تمام گذاشته اند و تابحال هزینه های بس سنگینی از اعتراضات کارگری، توده ای، زنان و جوانان گرفته اند. پس دولت روحانی تافته ای جدا بافته از دیگر دولت‌های نظام جمهوری اسلامی نیست. رفتار و اعمال روحانی و دیگر دولت‌های وابسته برگرفته از سیاست‌های امپریالیستی است و کاملاً آشکار شده است که زبان حکومت‌مداران و دولت‌مداران، زبان تعرض به معیشت توده ها و زبان سرکوب بی‌رحمانه به مطالبات بدیهی کارگران زحمت‌کشان و دیگر ستمدیدگان است. از بالا کشیدن حقوق و سرکوب اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه گرفته تا اعتراضات بیش از دو هزار نفری کارگران عسلویه نسبت به سیاست‌های ضد کارگری دولت "معتدل"، نمایانگر این حقیقت است که رئیس دولت نظام جمهوری اسلامی به‌مراه دم و دستگاه های سرکوب‌گرش، طرف صاحبان تولیدی و سرمایه داران اند. و بی علت نیست که جامعه در دایره تنش و کنش‌های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی در گشت و گذار است؛ بی علت نیست که اعتراضات و اعتصابات کارگری، توده ای و جوانان دارد با صلابت هر چه بیشتری حکومت‌مداران و دولت‌مداران ایران را به مصاف می‌طلبند.

اضافه تر اینکه دسترسی به آب و نان برای میلیون‌ها توده ایران مشکل شده است. کرایه خانه های بدون استاندارد سر به فلک کشیده شده است؛ در کارخانه ها یکی پس از دیگری دارد بسته می‌شود؛ حقوق کارگران را نمی‌دهند؛ کودکان را به کودکان کار تبدیل کرده اند و در این بین رئیس دولت "اعتدال" هم برای طول و درازتر کردن محبوبیت و چاکرمنشی اش به امپریالیست‌ها، دارد افسارهای بندگی و نیز طناب "آزادی" ها را سفت و سفت تر می‌کند و نفس های بیشتری را می‌گیرد. روشن است که این جامعه مدنظر و پس کله رئیس دولت "اعتدال" است. در جامعه ای که بنابه گفته روزنامه های دولتی، بعد از کارتون خوابی و گورخوابی، به پشت‌بام خوابی، سوپرمارکت خوابی و حمام خوابی و امثالهم شیفت کرده است، را نمی‌توان جامعه ای هم‌تراز با جامعه انسانی به حساب آورد. همین چند وقت قبل - و آن هم در زیر سلطه دولت "اعتدال"، روزنامه "صبح امروز" خراسان طی گزارشی و از زبان دختر بچه ای می‌نویسد: «ما چهار نفری در این حمام زندگی می‌کنیم. به خاطر اینکه نتوانستیم اجاره خانه مان را بپردازیم. صاحبخانه ما را بیرون کرد و مجبور شدیم در حمام خانه عمه ام ساکن شویم».

آری، در زیر سلطه چنین مناسباتی پیدایی این‌دست موارد نه تعجب آور بلکه علامت اوضاع و زندگی دردناک، هزاران کودک هم سن و سال دختر بچه خراسانی است که دارند در اثر سارقان ثروت‌های جامعه به فنا می‌روند. شوربختانه مشکل کودکان در ایران یکی دو تا نیست. مدارس فاقد استانداردهای گرمایشی و محافظتی در برابر باد و باران، سیل و طوفان، و نیز امکاناتی همچون کلاس‌های درس مکفی و دیگر نیازهای آموزشی است. به طور مثال «حمیدرضا درخشانی» مدیر کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان اعلام کرده است که: «۴۰۰ هزار دانش آموز این استان به آموزش مجازی دسترسی ندارند». علاوه بر این‌ها اگر بخواهیم به نبود برق و دسترسی به اینترنت و دیگر وسائل

ارتباطی ای همچون تلفن های همراه و کامپیوتر و غیره اضافه کنیم، آنوقت آسان تر می توانیم به عمق فاجعه و جنایتی که دولت حسن روحانی دارد در حق کودکان مرتکب می شود، پی ببریم.

این ها تصاویر حقیقی جامعه ایران و از سر خیر دولت "اعتدال" است و ربطی به تحریم ها ندارد؛ قرار بر این بود که دولت روحانی به همه این ها پاسخ دهد و قرار بر این بود که برای پُرتر کردن جیب های سرمایه داران، دست در "جیب" مردم نکند! اما و در عوض ثروت سرمایه داران بیشتر و جیب مردم را خالی تر از گذشته کرده است. علاوه بر این قرار بود "بی جهت" اعتراضات مسالمت آمیز مردمی را مورد تعرض قرار نداد و زندان ها را پُر از مخالفین نکند! اما و در عوض جواب هر اعتراض و هرگونه مطالبات بحق را با تهدید، با خشونت، با دستگیری و با شکنجه پاسخ داده است. به این علت که زبانی به غیر از زبان زور و اسلحه نمی شناسد. چرا که نظام بدون کار بست زور سازمان یافته، نظام منطبق با منافع طبقه سرمایه داری وابسته نیست.

بدین ترتیب و بنابه چنین دلایل روشنی دولت های رنگ و وارنگ نظام جمهوری اسلامی و از جمله دولت روحانی بدون انتخاب سیاست های سرکوبگرانه دائمی قادر به حکومت داری نیستند. نظام جمهوری اسلامی به خیروبرکت سرکوب بردوام مانده است و طبعاً با زور سازمان یافته توده ای بساط اش برچیده خواهد شد. این ذات همه نظام های سرمایه داری و بخصوص نظام وابسته جمهوری اسلامی است. حامی یک درصدی هاست و کاری به نود و نه درصدی جامعه ندارد. به صف شدن مردم سرتاسر جهان در برابر سیاست های دولت های امپریالیستی و آن هم به بهانه های گوناگون، چیزی جز این نیست که خشت و پایداری نظام های کنونی با خشونت گره خورده است. پس جامعه نود و درصدی هم نیازمند انتخاب سیاست تعرضی تر و بویژه حمایت و پشتیبانی عملی نیرو و یا سازمان مدافع خود در برابر سازمان مسلح نظام است. راه و چاره ای به غیر از این در برابر نظام سرپا مسلح جمهوری اسلامی نیست. دولت وابسته حسن روحانی، با سلاح در خیابان ها حضور دارد و با ابزار و آلات جنگی دارد قربانیان نظام امپریالیستی را مورد تحقیر و توهین قرار می دهد و در مقابل و تنها با کار بست سلاح است که می توان ریشه آنرا سوزاند.

در نتیجه آزادی و رهائی جامعه در گرو انتخاب روش های تعرضی و سازمان یافته است؛ در گرو عروج سازمانو نیروی منطبق با قاعده های حاکم بر جامعه است. نظام جمهوری اسلامی پس زده نخواهد شد مگر آنکه ارگان های مسلح و حافظ بقای وی مورد تعرض بی وقفه و بی امان نیروی وابسته به انقلاب قرار گیرد. جامعه از شر مناسبات امپریالیستی رها نخواهد شد مگر آنکه پرچم و آرمان کارگران و زحمت کشان به اهتزاز در آید. این پاسخ اساسی و تمام کننده به هزاران معضلات و مشکلات دست ساز دولت های امپریالیستی و از جمله دولت وابسته جمهوری اسلامی است.

۲۴ اکتبر ۲۰۲۰

۳ آبان [عقرب] ۱۳۹۹